

انقلاب ادای دین کنند.

بله، دو محور موضوعی که شما اشاره کردید درست و همین گونه است؛ یکی این که مخاطبان چندان به سراغ آثار این حوزه نمی روند که علتش را باید جست و جو کرد. مخاطبان ما به طور عموم کسانی اند که انقلاب و وقایع آن را تا حدود زیادی درک نکرده اند و شناخت دقیقی از آن ندارند یعنی عمده مخاطبان زیر ۴۵ سال را که در نظر بیاوریم کسانی اند که در بحبوحه انقلاب چندان سن و سال و قدرت درک و تحلیل ابعاد انقلاب را نداشته اند و بخشی نیز زمان انقلاب هنوز متولد نشده بودند. بنابر این این گروه مخاطب باید بتواند در ادبیات انقلاب یافته جدیدی را بیابد که آن را با واقعیت های امروزی و موجود منطبق کند. از سوی دیگر نویسنده ها آن قدرت و توانایی را در خلق آثار مخاطب پسند در موضوع انقلاب پدید آورند. نکته دوم که مهم به نظر می آید وجود تناقض های موجود در باره ارزش های انقلاب در جامعه ماست؛ ارزش های انقلاب از همان روز اول که حضرت امام انقلاب را تثبیت کرد و واقعاً جامعه ای منهای فقر و جامعه ای شدیداً اسلامی بود که می خواست علی وار و عادلانه حکومت کند اما شاهد بودیم که به دلایل مختلف از جمله جنگ کمتر توانستیم چنین جامعه ای را محقق کنیم و به دنبال آن با رویکردهایی همچون توجه صرف به سازندگی با فاصله های طبقاتی و طبقات جدیدی در جامعه مواجه شدیم این در حالی بود که با آمدن انقلاب مستکبران جامعه فرار را به قرار ترجیح داده بودند و یکدستی طبقاتی در جامعه به وجود آمده بود و شعار جامعه بی طبقه توحیدی مطرح می شد و همگان نیز به جامعه عدالت محور می اندیشیدند و منشور آن را نهج البلاغه امام علی (ع) می دانستند اما واقعیت این است که با خیلی از آرمان ها و آرزوهایی که ملت داشتند فاصله داریم. از این رو اگر بخواهیم امروز ارزش های سال ۱۳۵۷ را مطرح کنیم به نظر من چالش های جدیدی را به وجود می آورد آن گاه نسل جوان به پدران و مادران خود خواهند گفت و از آن ها خواهند پرسید که شما قرار بود چنین انقلاب و ارزش هایی را اقامه کنید اما وضعیت امروز این گونه نیست و با آن فاصله دارد. در واقع همین مسئله که بدان اشاره کردم اگر بخواهد امروز در ادبیات و رمان منعکس شود تناقض هایی را به وجود خواهد آورد و ما امروز با همچون معضلی مواجه هستیم. پس اگر بخواهیم صحبت هایم در این بخش را خلاصه بگویم اول این که نویسندگان ما امروز برای پرداختن به ادبیات انقلاب رغبت کمی دارند و نکته دوم این

که این نویسندگان به عنوان بخشی از افراد این جامعه به دلایلی که بر شمردم دچار تناقض ها و تردیدهایی هستند.

یعنی به نوعی دچار خودسانسوری می شود؟

اگر نویسنده ای به همان آرمان های ۱۳۵۷ معتقد و باورمند باشد و بتواند خوب بنویسد و مخاطب هم داشته باشد به طور قطع اثرش اثری خواهد بود که اگر چه ارزش های انقلاب را به تصویر و داستان کشیده است اما بسیاری از نگاه ها را نیز به چالش خواهد کشید. من در این باره نمونه ای را ذکر می کنم؛ من زمانی که رمان «قدیس» درباره آرمان ها و اندیشه های امام علی (ع) را به نگارش در آوردم که البته داستان مدرنی هم هست، بسیاری از دوستان و اهالی ادبیات من را به باد اعتراض و انتقاد گرفتند که منظور تو از این داستان که امام علی (ع) مطالبی را در باب حکومت بیان می کنده بود تو با این داستان به ارزش ها کنایه زده ای و از این قبیل حرف ها...

این در حالی بود که مقصود من بیان ارزش ها و تفکر امام علی (ع) درباره حکومت بوده است که عیناً هم آن را از نهج البلاغه برداشته ام ولی متأسفانه این گونه واکنش ها و برداشت ها در جامعه را در پی دارد و گاهی وقت ها هم نتایج عکس می دهد.

- در این بخش از گفت و گویم
علاقه مندم به یکی دیگر از دغدغه های حوزه ادبیات انقلاب و به طور کل ادبیات ایران اشاره کنم و نظر شما را بدانم و آن هم مسئله مهم «ترجمه» است. چرا آثار ما به ویژه حوزه ادبیات داستانی انقلاب اسلامی از جایگاهی جدی برخوردار نیست، در عین حال که از موضوع انقلاب ها و جنگ های زیادی در جهان تاکنون آثار قابل توجهی در حوزه ادبیات داستانی ترجمه و عرضه شده که با استقبال جهانی نیز همراه بوده است. نظر شما در این باره چیست و اساساً چرا ما در ترجمه به توفیقی جدی دست نیافته ایم و چنان چه به همین متوال باشد شاید هیچ گاه نتوانیم در عرصه های بین المللی اثری ارائه کنیم.

عوامل متعددی در این باره دخیل است؛ از جمله سبک ادبیات معاصر ماست که تاکنون نویسندگان باتجربه و قدر و توانمند به نگارش

رمان انقلاب اقدام نکرده اند. یکی از اهداف انقلاب اسلامی موضوع مهم صدور انقلاب بود که به طور قطع حوزه ادبیات از مهم ترین ابزار این موضوع می توانست باشد و وقتی هم از صدور انقلاب گفته می شود مقصود صدور ارزش ها، ایدئولوژی و تفکر انقلاب بود و این که باید به سمت و سویی می رفتیم که بتوانیم ایران را به جهانیان بیش از این معرفی کنیم که نگاه های منفی و بدبینانه را نسبت به انقلاب اسلامی از بین ببریم که در این زمینه هیچ گاه اثری جهانی در ادبیات ما خلق نشد و مسئله دیگر مسئله مدیریت است. در این باره پس از وقایع انقلاب اسلامی در سال های پیرامونی ۱۳۵۷، پس از آن هم موضوع جنگ تحمیلی و دفاع مقدس را در تاریخ انقلاب داریم که البته نویسندگان در موضوع دفاع مقدس نسبت به انقلاب ۱۳۵۷ اهتمام نسبتاً بهتری داشته اند و همواره تعدادی از نویسندگان به دفاع مقدس می پردازند.

یادر کنار این موضوعات، آثار اجتماعی و عاطفی که گاهی نویسندگان به آن می پردازند که معتقدم در ترجمه تمامی این موضوعات ما با سوء مدیریت مواجه بوده ایم. مدیران این حوزه هیچ گاه به دنبال ریل گذاری این مسیر نبوده اند و هنوز که هنوز است در سیستم های مدیریتی بخش فرهنگ و ادبیات هیچ مرکز و جایگاهی برای این منظور و هدف وجود ندارد که طرح یا بودجه مشخصی داشته باشد که صرف ترجمه آثار شود و این که بتوان در خارج از مرزها مترجمان و ناشران توانمندی را مأمور ترجمه و نشر این آثار کرد. به طور قطع اگر مدیریتی وجود می داشت برای این کار مکانیزمی طراحی و تعریف می کرد که می توانستیم سالانه حداقل ۱۰ اثر ترجمه و منتشر کنیم. تاکنون تعداد آثار زیادی با سطوح مختلف کیفی می داشتیم. این در حالی است که اکنون در بخش ترجمه بسیار ضعیف هستیم و آثار بسیار محدودی تاکنون در بازارهای جهانی عرضه می شود. البته در کنار موضوع ترجمه، عدم ارتباط ما با سیستم هایی است که ما را به حوزه پخش بین المللی می تواند متصل کند. در این باره نه این که دولت به طور مستقیم بخواهد ورود پیدا کند اما باید شرایطی را در حمایت و تشویق بخش خصوصی فراهم آورد که بخش غیر دولتی بتواند با تأسیس مراکزی به طور مشخص موضوع پخش بین المللی کتاب و آثار حوزه ادبیات و فرهنگ را دنبال کند. در این باره متأسفانه تعلل های جدی و عجیبی وجود دارد که چرا پس از گذشت این همه سال هنوز گام های ابتدایی را هم در این بخش برنداشته ایم.